

پاره‌های گمگشته ایران

هنر و تمدن در خراسان بزرگ و ماوراءالنهر - آسیای میانه

شهره جوادی

استادیار گروه مطالعات عالی هنر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

shjavadi@ut.ac.ir



چکیده

بخش عظیمی از آسیای میانه از دیرباز جزئی از سرزمین وسیع ایران و خطه خراسان بزرگ به شمار می‌رفت. در این منطقه جغرافیایی - فرهنگی اقوام ایرانی و ترک با آیین‌ها و باورهای گوناگون می‌زیستند که تمدن و هنری باشکوه را در دوران باستان و عصر اسلامی رقم زده‌اند. با وجود مصائب بسیار که در گذر زمان به ساکنان این مرز و بوم تحمیل شد، فرهنگ آنها همچنان استوار مانده است. سلطه کمونیسم نیز گرچه فاجعه‌ای گران بود اما نتوانست به کلی فرهنگ‌زدایی کند؛ چنان که مردم و به ویژه پیران و میان‌سالان باورها و رسوم خویش را حفظ کردند و این جوامع پس از استقلال و رهایی از بند فاشیسم به سرعت در جهت احیای میراث فرهنگی - هنری خویش گام برداشته‌اند. ثبات فرهنگی این سرزمین به دلیل پیشینه غنی آن است که همچون سایر بخش‌های سرزمین مادری، علی‌رغم تحولات بسیار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، از ریشه‌های هویت فرهنگی تغذیه کرده و توانسته همچنان به عنوان بخشی از سرزمین فرهنگی ایران باقی بماند. این مقاله مروری بر مهمترین ویژگی‌های تاریخ فرهنگ این سرزمین است.

واژگان کلیدی

خراسان، ایران بزرگ، ماوراءالنهر، هنر و فرهنگ، جغرافیا، آیین و باور.

احیای فرهنگ و هنر خویش داشته‌اند تا شکوه و عظمت نیاکان را تجدید کنند. علی‌رغم فشارهای دوران کمونیسم، ایران‌دوستی و اسلام‌خواهی در این مناطق حیات قوی دارد. حضور اقوام تاجیک، ازبک، ترکمن و قزاق با فرهنگ‌ها و باورهای متفاوت اما مشابه در آداب و رسوم با صبغه شرقی حاکی از تداوم فرهنگی دیرین آن‌ها، از زمان اقتدار پارت‌ها، ساسانیان و حتی پیش از آن، در سرزمین خراسان است که در دوران اسلامی به حیات خود ادامه داده است.

هدف از نگارش این مقاله، اشاره به عواملی در هنر و تمدن این سرزمین، شامل میراث کهن ایرانی - اسلامی است که اهمیت آنها حتی در سرزمین مادری خود شناخته شده نیست و زمینه‌های شکل‌گیری و تداوم هویت این خطه را به وجود آورده است. برای ورود به این عرصه لازم است نکات مهم و برجسته جغرافیا و تاریخ فرهنگ این سرزمین که بعضاً به دلیل نقل‌های متفاوت مبهم مانده، معرفی شود تا پایه مطالعات بعدی قرار گیرد.

تمدن ایران از درخشان‌ترین تمدن‌های دنیای قدیم است که تا امروز باقی مانده و همواره در ناحیه بزرگی از آسیا حیات داشته است. اگر از حدود ایران امروز خارج شویم، قدمت آن به ۵ هزار سال و دوران پیش آریایی (Prearian) می‌رسد. بخش جدانشده از ایران، که پیش‌تر خراسان بزرگ و ماوراءالنهر نامیده می‌شد، امروز در آسیای میانه قرار دارد که از نقاط مهم شرق بوده و با وسعتی عظیم اقوام مختلف را با باورهای گوناگون در دل خویش جای داده است (گروسه، ۱۳۴۶). بقایای آثار پیش از تاریخ، دوران تاریخی و عصر باشکوه اسلامی در این خطه حاکی از عظمت و اقتدار اقوام و تمدن‌های این سرزمین پهناور است؛ تمدن و هنری با ارزش، الهام‌یافته از باورهای باستانی مبتنی بر عقاید طبیعت‌گرا، دوران زرتشت پیامبر ایرانی و سپس تمدن و هنر اسلامی که اکنون شاهد آن هستیم. پس از استقلال جمهوری‌های شوروی سابق، که بخش مهمی از سرزمین خراسان بزرگ را تشکیل می‌دادند، حکومت‌های منطقه تلاش‌های زیادی برای

پیشینه تحقیق

بر نتیجه‌گیری‌های نویسنده نکات مهمی دارد که در این مقاله به آن‌ها اشاره شده است.

در کتاب دیگری با عنوان «هنرهای باستانی آسیای مرکزی تا دوره اسلامی» نوشته «تالبوت رایس» (۱۳۷۲)، به تاریخچه اقوام ساکن در آسیای میانه اشاره شده و هنرهای تزئینی - کاربردی، نقاشی‌های دیواری در معابد بودایی، ساختمان معابد و کلیساهای اوایل مسیحیت معرفی شده است. تصاویر این کتاب نیز سیاه و سفید و با کیفیت ضعیف است. «نادر کریمیان‌سردشتی» در کتاب «اسروشنه» (۱۳۸۱)، به سرزمین بزرگ و تاریخی اسروشنه در ماوراءالنهر (اوراتپه امروزی) اشاراتی از نظر تاریخ و جغرافیا، موقعیت قدیم آن در دوران هخامنشی و ساسانی، در عصر اسلامی و اوراتپه امروزی دارد که اهمیت و اقتدار این سرزمین را در گذشته نشان می‌دهد. «شاپور رواسانی» در کتاب «اتحادیه مردم شرق» (۱۳۸۶)، مطالب گوناگونی از کهن‌ترین تمدن‌ها و ساکنان فلات ایران تا سوریه، مصر، بین‌النهرین و هند دارد. «رحیم ولایتی» در کتاب «مطالعه پیشینه باستان‌شناسی کشورهای آسیای میانه» از دیدگاه تاریخ باستان‌شناسی و جغرافیای سیاسی مطالبی گردآوری نموده است که با کمک

«نخستین آگاهی‌های تاریخی مربوط به آسیای میانه و مردم این سرزمین را «هرودت» در اختیار ما می‌گذارد. در این باره منابع کهن‌تری نیز وجود دارد، که اوستا کتاب مقدس زرتشتیان و کتیبه‌های مختلف شاهان هخامنشی و مهم‌ترین آنها، کتیبه بیستون، از آن جمله است. منبع کهن دیگر «خاطرات کتزیاس» پزشک یونانی است که در مقابل خاطرات هرودت قرار می‌گیرد و در عهد خود مورد بی‌مهری قرار گرفت. در قرن بیستم «مارکوآرت»^۱ اثر وی را یک حماسه قهرمانی کهن ایرانی خواند و «بارتولد»^۲ بی‌چون و چرا آن را تحت تأثیر نفوذ فرهنگ «بلخی - سیت» معرفی کرده است» (بلنیتسکی، ۱۳۶۴ : ۸۰ - ۷۹).

در معرفی جغرافیای قدیم، شرح فرهنگ و هنر، اسامی شهرها، ادیان رایج و آثار هنری و معماری سرزمین آسیای میانه، مطالبی در کتاب «خراسان و ماوراءالنهر» (بلنیتسکی، ۱۳۶۴)، آمده که دوران پارینه‌سنگی، عصر تاریخی ایران و دوران کوشان‌ها را اجمالاً معرفی کرده است. تصاویر این کتاب اکثراً سیاه و سفید و فاقد مطلوبیت است. نقد مترجم

اقتصادی و اجتماعی، چرا همچنان این منطقه دارای هویت واحد فرهنگی شناخته می‌شود؟ و قوام هویت آن وابسته به چه عواملی بوده است؟ آیا می‌توان هویت فرهنگی مشترک ساکنان این سرزمین را عامل تداوم هویت آن دانست؟ نمودهای مهم فرهنگ مشترک در هنر و تمدن این سرزمین کدام است؟

جایگاه خراسان و ماوراءالنهر در جغرافیای ایران بزرگ

سرزمین ایران قرن‌ها مهد تمدن عالم بود. انوار علم و معرفت از ملک ایران به تمام دنیا پرتوافکن می‌شد. سیادت سیاسی در شرق و تفوق اقتصادی در دنیا در دست ایرانیان بود (بارتولد، ۱۳۷۲: ۳). بنابراین بخش مهمی از تاریخ شرق را در ایران بزرگ باید جستجو کرد.

پژوهشگران بسیاری جایگاه اولیه آریاییان را ایران در نواحی آسیای میانه و فلات پامیر می‌دانند (تقوی، ۱۳۷۳: ۲۴). گاه جایگاه آریایی‌ها را هندوستان و نام اصلی آن را «آریاورتا» به معنی سرزمین آریاها گفته‌اند. هند در زمان ساسانی به نام خوزستان بوده است (شهیدی، ۱۳۶۵: ۱۹۶). ایران، هندوستان، و رارودان و چین از نخستین خاستگاه‌های تمدن جهان و کانون شگفتی‌های اندیشه انسانی به شمار می‌روند (نجفی بزرگر، ۱۳۸۸: ۱۵۱). سرزمین پهناور خراسان و ماوراءالنهر (رارودان) در مسیر جاده ابریشم قرار داشت، این راه فرهنگی - جغرافیایی، گذرگاه سازش، انتقال ایده‌ها، اندیشه، فرهنگ و هنر بود. این راه استراتژیک، حوزه‌های تمدن ایران، هند، چین و میان رودان را به هم گره می‌زد و نقش پیوندهای جهانی را از سده ۲ میلادی تا سال ۵۷۶ بر عهده داشت (افشار، ۱۳۸۹: ۱۴۷).

در قرن ششم پیش از میلاد قسمت قابل توجهی از آسیای مرکزی به تصرف دولت قدرتمند ایرانی هخامنشیان درآمد. در قرن سوم ق.م حکومت یونانیان سقوط کرد و در قرن چهارم پیش از میلاد سپاه اسکندر مقدونی آنجا را متصرف شد. از آن پس ظهور اشکانیان (در جنوب ترکستان، ایران و قسمتی از بین النهرین) و نیز ظهور پادشاهی یونانی - باختری، بعدها پادشاهی کوشان (که علاوه بر باختر، مناطق وسیعی را از ماورای جیحون در شمال تا رودهای سند و گنگ در جنوب را در برمی‌گرفت) و دولت کانگیو (خوارزم، سغدیان و نواحی شمال آن) را نیز شامل می‌شد. از نظر فرهنگی - تاریخی، این دوره مبدأ تشکیل و توسعه رسوم باستانی محلی بود که شکوفایی آن توسط دو عامل تعیین می‌شد: یکی پیشرفت

تصاویر اشیای مکشوفه از کاوش‌های میدانی، ناشناخته‌هایی را درباره این سرزمین پهناور و تمدن و هنر غنی آن بر ما آشکار می‌سازد. در کتاب «مرزهای ایران و توران بر بنیاد شاهنامه فردوسی» نوشته «حسین شهیدی مازندرانی» و با مقدمه فریدون جنیدی (۱۳۶۵)، دوران شاهان کیانی و اساطیری ایران معرفی شده که وقایع آن دوران اشاراتی به دین و آیین، فرهنگ و آداب مردم، مرزهای جغرافیایی، تاریخ و حوادث مهم دارد. تمامی این‌ها در سرزمینی رخ داده که روزگاران دراز، بخش مهمی از شرق باستان را تشکیل می‌داده و ایران فرهنگی را رقم زده بود. به نوشته وی امروز این مکان «آسیای میانه» نام دارد و مهد تمدنی پربار و یادگاری از روزگار عظمت و شکوه ایران است.

«سعید نفیسی» در «تاریخ اجتماعی ایران در دوران پیش از تاریخ و آغاز تاریخ» (۱۳۸۴)، نیز مطالبی در این موضوع دارد. نکات ارزشمندی در کتاب «ایرانیان، رومیان و یونانیان» (ویستهورف، ۱۳۸۹). شامل تاریخ باستان و شرق قدیم یا دفاعیه‌ای برای تاریخی جهانی وجود دارد که تصویرهای شرق از نگاه رومیان و تصویرهای غرب از نگاه پارتیان در دوره آگوست، یونانیان، رومیان و بیزانس در سنت ایرانی را دربرمی‌گیرد و اشاره‌ای به رابطه فرهنگی بحث‌انگیز میان ایرانیان و یونانیان دارد. «بارتولد» در مقدمه کتاب «تذکره جغرافیای تاریخی ایران» (۱۳۷۲)، به مقام ایران و ایرانیان و تمدن ایران پرداخته، سپس شهرها و مناطق مهم خراسان و ماوراءالنهر را معرفی کرده است که بیشتر اشاره به تاریخ و جغرافیای دوران اسلامی دارد. منابع نام‌برده حاوی مطالبی مبنی بر اهمیت سرزمین خراسان و ماوراءالنهر یا ایران بزرگ است که در سفر پژوهشی به آسیای میانه در مرداد ۱۳۸۸ برای تحلیل و ارزیابی میدانی نمونه‌ها کاربرد بسیار داشت.

این یافته‌ها در طول یک ماه سفر به همراه ۳۰ تن از پژوهشگران رشته‌های معماری، باستان‌شناسی، معماری منظر، نقاشی و پژوهش‌هنر در مقاطع فوق‌لیسانس و دکتری به دست آمد. حاصل کار مقایسه یافته‌های میدانی با مطالعات کتابخانه‌ای بود که نکات جدیدی را به دست داد. علاوه بر این اسناد تصویری جدید نیز با کیفیت مناسب تهیه شد.^۲

سؤال

علی‌رغم تنوع قومی ساکنان منطقه خراسان بزرگ و ماوراءالنهر، و ظهور حوادث عظیم تغییرات گسترده در نظام سیاسی،

(مرو) ۴- باخدی (بلخ) ۵ - نیسیاه (نسا) ۶- هرايو (هرات) ۷- وایکرته (کابل) ۸ - اورود (غزنه) ۹- وهرکان (گرگان) ۱۰- هرهواتی (رخج) ۱۱- ای تومننت (وادی هیرمند) ۱۲- رگا (ری) ۱۳- شخره (شاهروود) ۱۴- ورنه (گیلان) ۱۵- هیت هندو (پنجاب هند) ۱۶- ولایاتی که در کنار رودخانه (رنگهه) بوده است (آورزمانی، ۱۳۹۳: ۱۴ - ۱۳).

مرو و واحه آن عجالتاً یگانه ولایتی است در آسیای مرکزی که در باب آن تحقیقات تاریخی و جغرافیایی مفصلی انجام شده است ... قدیم‌ترین خرابه‌های شهر قدیم در کافر قلعه است (بارتولد، ۱۳۷۲: ۷۹ و ۷۸). پس از آنکه صفویان دولت جدید ایران را تشکیل دادند، مرو (با واحه آن) غالباً در معرض حمله از یک‌های بخارا و خیوه و همین‌طور ترکمن‌ها واقع می‌شد. بدین جهت تجارت ایران با ماوراءالنهر از راه قوسی هرات به جریان افتاد و هرات مهم‌ترین مرکز تجارتي آسیای مرکزی گردید. (همان: ۸۲).

• ترکستان غربی

ترکستان غربی شامل سغد، فرغانه و خوارزم بود، که پیوستگی کامل با بلخ (بخش اعظم افغانستان کنونی و جنوب تاجیکستان) داشت (رایس، ۱۳۷۲: ۷۲). خوارزم سرزمینی کهن و بزرگ در ازبکستان و ترکمنستان است که برخی از پژوهشگران این مکان را جایگاه سرایش اوستا می‌دانند. لغت‌نامه دهخدا در سرواژه «خوارزم» از آن به مهد قوم آریا یاد می‌کند. «خیوه» (مرکز خوارزم) در ترکمنستان امروزی است که نام خود را در تمام دوران اسلامی و تاکنون حفظ کرده است (لسترنج، ۱۳۸۶: ۴۷۹).

سغد شامل منطقه باستانی افراسیاب (مرغند) بوده که امروزه در ازبکستان و شهر سمرقند واقع شده است. ایالت سغد به عنوان مهم‌ترین ایالت ماوراءالنهر یا ناحیه وراورد است که دو شهر بزرگ آن یعنی سمرقند و بخارا از تمدنی کهن و میراث فرهنگی درخشان برخوردار بود.

هخامنشیان، سلوکیان، اشکانیان، کوشانیان، هیاطله، ترکان و ساسانیان در این منطقه حکومت کرده‌اند (زمانی محبوب و صالحی ۱۳۹۰: ۵۳).

«فرغانه» دره‌ای در آسیای میانه در مسیر سیردریا واقع شده که از جنوب خاوری به ترکستان چین محدود است و اطراف آن را کوه‌های تین‌شیان فرا می‌گیرد. امروزه فرغانه به سه بخش در کشورهای ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان تقسیم شده است (مصاحب و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۸۸۰). پایتخت این مملکت در آن زمان «اوسروشنه» (Ousrouchna)

اجتماع داخلی و دیگری برخورد با دولت‌های یونانی مستقر در ایران و هند (پوگاخیکو و خاکیموف، ۱۳۷۲: مقدمه: ۱). از قرن پنجم میلادی و در زمان قدرت ساسانیان برای نخستین‌بار در بخشی از مناطق آسیای میانه با مردمانی ترک‌نژاد و ترک‌زبان برخورد می‌کنیم که تا حدود آمودریا (جیحون) رسیده‌اند. با آمدن این موج جدید وضع منطقه از نظر مردم‌شناسی، فرهنگی و سیاسی دستخوش تغییراتی می‌شود و نام‌های جدیدی پیدا می‌کند.

پس از ورود اسلام به ایران در فاصله کوتاهی، خراسان بزرگ و ماوراءالنهر زیر پرچم اسلام قرار گرفت که مرزبانان تمدن اسلامی در مقابل یورش مهاجمین بودند (تقوی، ۱۳۷۳: ۲۴). قرن سوم هجری همه این ناحیه با نام خراسان خوانده می‌شود و نامی از ماوراءالنهر در میان نیست و ترکستان نیز خارج از این منطقه و در جانب چین قرار دارد. «لسترنج» درباره خراسان می‌نویسد: «خراسان در زبان فارسی قدیم به معنی خاور زمین است. این اسم در اوایل قرون وسطی به طور کلی بر تمام ایالات اسلامی که در سمت خاور کویر لوت تا کوه‌های هند واقع بودند اطلاق می‌گردید و به این ترتیب تمام بلاد ماوراءالنهر را در شمال خاوری به استثناء سیستان و قهستان در جنوب شامل می‌گردید. خراسان در دوره اعراب شامل: نیشابور، مرو، هرات و بلخ بود» (لسترنج، ۱۳۸۶: ۸-۴)، جغرافی دانان عرب، مانند ابن خردادبه، ابن حوقل و اصطخری در قرون وسطی سراسر مناطق شرقی ایران را به نام خراسان یعنی محلی که از آن خورشید برمی‌دمد می‌خواندند. ولی این نام در عصر ما فقط به ایالت شرقی ایران اطلاق می‌شود (گروسه و ماسه، ۱۳۸۱: ۳۰).

پس از قرن چهارم ه.ق ماوراءالنهر به سرزمین‌های آن سوی جیحون گفته می‌شد؛ سرزمینی که در زبان فارسی دری از آن به «وراز رود» یاد شده است:

اگر پهلوانی ندانی زبان وراز رود را ماوراءالنهر خوان

و ناحیه‌ها و شهرهای عمده آن را، سغد، سمرقند، بخارا، خجند، اسروشنه (اوراتپه در تاجیکستان) و ترمذ ثبت کرده‌اند (بی‌نا، ۱۳۷۲: ۱۳).

مناطق باستانی در آسیای میانه

در جغرافیای قدیم آسیای میانه ۱۶ ناحیه به نقل از «وندیداد» ذکر شده است: ۱- ایریان و نجه ۲- سوغده (سغد) ۳- مورو

(اوراپه فعلی) نام داشت (کریمیان سردشتی، ۱۳۸۱: ۸۲).

• سمرقند

قدیمی‌ترین نام از سمرقند در کتاب «شهرستان‌های ایران» آمده که به زبان پهلوی یا فارسی میانه بوده و اوایل اسلام به فارسی ترجمه شده است ... نوشته‌های این رساله با سایر منابع پهلوی و مأخذ عصر اسلام از جمله، شاهنامه فردوسی و تاریخ تبری همهانگ است. نام شهرها و مکان‌هایی که در این رساله آمده عبارت است از: سمرقند، بلخ، نوازک، خوارزم، مرو رود، هرات، و ... (آورزمانی، ۱۳۹۳: ۴۱-۴۰). سکه‌ای از انوشیروان ساسانی ضرب سمرقند برجای مانده که امروز در موزه ارمنستان نگهداری می‌شود (همان: ۱۳۳). سمرقند و بنیان آن در دوران اساتیری به کاووس پسر قباد ساسانی نسبت داده می‌شود (دریایی، ۱۳۸۸). این شهر در سال ۳۲۸ ق.م به تصرف اسکندر درآمد و از افسانه به تاریخ پیوست. در قرن هفتم میلادی توسط سپاه اسلام فتح شد و در دوران سامانی مرکز بزرگ فرهنگی به شمار می‌رفت که تا عصر سلجوقیان ادامه داشت. در قرن هفتم هجری توسط مغولان ویران و مجدداً در زمان تیمور تجدید بنا به شمار می‌رفت. در قرن ۱۲ هجری از رونق افتاد و زیر فرمان چین رفت و سرانجام در قرن ۱۳ هجری به دست روس‌ها افتاد (بلانت، ۱۳۶۳: ۱۲-۱۳). باغ‌شهر سمرقند به عنوان یکی از شیوه‌های منظر سرزمینی که تأثیر به‌سزایی در شکل باغ‌های ایرانی پس از خود داشته قابل توجه است (حیدرنتاج، ۱۳۸۸: ۱۰). مسجد حضرت خضر که پیشینه‌ای در دوران کهن دارد، امروز در (منطقه افراسیاب) بخش باستانی شهر و بر فراز تپه‌ای واقع شده و بنایی است به یادبود حضرت خضر(ع) که می‌گویند روزگاری بدین‌جا تشریف آورده‌اند. به نقل از سایت سفارت ایران در تاشکند (۱۳۹۱) ابتدا در آن‌جا بت‌خانه‌ای^۳ قرار داشته که با پیش‌روی سپاه اسلام، بت‌ها شکسته و مکان به مسجد تبدیل شده است. همچنین براساس کتاب «قندیه» که در باب تاریخ سمرقند نگاشته شده، پیش از اسلام در بلندای شهر بُتی بود و همه آنهایی که به شهر می‌آمدند آن را از دور می‌دیدند، و آنهایی که از شهر بیرون می‌آمدند تا وقت از نظر پنهان شدن بت، به عقب راه می‌رفتند (سمرقندی، ۱۳۶۷). شواهد موجود در مسجد و برخی رسومی که در آنجا انجام می‌شود حاکی از قدمت زیاد آن است که به پیش از اسلام و روزگاری باز می‌گردد که در آنجا معبدی بر پا بود^۴. «ساخت

تندیس‌های کوچک اناهیتا در سرزمین افراسیاب بسیار متداول بوده است که معمولاً اله را در حالی که اناری در دست دارد نشان می‌دادند» (رایس، ۱۳۷۲: ۹۰).

پنجکنت قدیم، شهر کوچک و آباد سغدیان از مهم‌ترین مراکز باستانی آسیای مرکزی بوده که در منطقه کوهستانی و در کرانه رود زرافشان و هم‌مرز با سمرقند است. پنجکنت قبلاً در تاجیکستان بوده اما امروز جزو ازبکستان محسوب می‌شود. از قرن پنجم و ششم میلادی قلعه شاهی، شهر اصلی یا شهرستان و حومه و قبرستان، به صورت یک توده شهری محصور به وسیله خاکریز وجود داشته است.

جغرافیای سیاسی آسیای میانه در دوران کمونیسیم

قسمت اعظم ناحیه آسیای مرکزی سرزمین زیبای فارسی زبان شامل تاجیکستان و جمهوری‌های ازبکستان و ترکمنستان است که در گذشته بخشی از سرزمین وسیع ایران و خطه خراسان بزرگ به شمار می‌رفت. در دایره‌المعارف روسیه تزاری به نام «فرهنگ انسیکلوپدیا» واژه‌ای به نام آسیای میانه به عنوان یک محدوده یا یک منطقه جغرافیایی با یک واحد سیاسی نیامده است.

ولی به دو عنوان ترکستان و ماوراءالنهر در آن برخورد می‌کنیم (بلنیتسکی، ۱۳۶۴: ۱۱-۱۰). دانشمندان شوروی «ازبکستان»، «تاجیکستان»، «قرقیزستان» و «جنوب قرقیزستان» را «آسیای مرکزی» می‌خوانند. سایر محققان و دانشمندان جهان ترکستان شرقی، مغولستان و تبت را آسیای مرکزی گفته‌اند. واژه آسیای میانه با هدف سیاسی توسط روس‌ها در ۱۹۲۴ ساخته شد تا با آسیای مرکزی اشتباه نشود.

سمرقند و بخارا پیش‌تر جزء تاجیکستان بوده اما سیاست‌های روسیه کمونیستی باعث شد امروزه این دو شهر مسلمان‌نشین و فارسی‌زبان جزو ازبکستان محسوب شوند. نگاهی به چگونگی ایجاد جمهوری‌های آسیای میانه و اینکه چگونه محدوده فرهنگ و زبان ایرانی را تنها به جمهوری تاجیکستان محدود ساختند و شهرهایی چون سمرقند، بخارا، مرو، بلخ و بسیاری دیگر را از حوزه سیاسی و فرهنگی ایران جدا کردند و اینکه با تغییر خط فارسی به روسی چگونه پیوند فرهنگی میان تاجیک‌ها و فرهنگ ایرانی مادر را قطع کردند؛ همه مسائلی است که باید موشکافی شده و پژوهندگان صاحب‌نظر درباره آن بررسی و سخن بگویند و پرده از توطئه‌ها و حیل‌ها بردارند (همان: ۱۳ و ۱۵). با وجود فتنه‌ها و ظلم و جوری که سالیانی دراز بر اقوام ساکن

جدید قداست خود را حفظ کرده و آداب و رسوم مبنی بر بزرگداشت آب و گیاه در این مناطق برقرار بوده است.

ستایش عناصر طبیعت چون مهر و ماه یا خورشید و آب که همان «میترا» و «ناهیتا»، ایزدان روشنایی و فروغ خورشید» و «آب‌های روان و نماد باروری» بودند در میان اقوام آریایی ساکن منطقه رواج داشتند و به گونه‌ای دیگر در دوران اسلامی ادامه یافت؛ چنانکه رسوم و آداب مهری با مشی عرفا و اهل تصوف درهم آمیخت و ریاضت‌کشی، چله‌نشینی، نیایش‌های سری و سیر و سلوک را رقم زد.

سنت‌های نذر و قربانی و توسل به ایزدبانوی باروری و آب نیز با حفظ ظواهر و اشکال کهن، محتوایی نو مطابق با اوایل اسلامی را ادامه داد؛ از این‌روست که امروز در بسیاری از مکان‌های مذهبی آسیای میانه مانند آرامگاه عرفا و بزرگان دین، مساجد و زیارتگاه‌ها شاهد حضور آب و درختان مقدس هستیم که مردم در کنار آنان به نذر و نیاز و قربانی می‌پردازند؛ به شاخه‌های درخت دخیل بسته، و در چمشه و چاه پول و عریضه می‌اندازند؛ مانند زیارتگاه نقشبند (تصویر ۱)، مقبره خواجه‌عبدالله درون، و مدرسه یا مقبره چهارمنار (تصویر ۲).

مقبره و خانقاه «خواجه احرار ولی» و بسیاری از مساجد، مقابر، خانقاه‌ها در شهرهای مختلف آسیای میانه دارای فضاهایی دلنشین در ارتباط با آب و درختان کهنسال و مقدس هستند که حال و هوایی معنوی و آرام و پر رمز و راز دارند و از دیرباز تاکنون در قالب آیین‌ها و رسوم رایج در میان مردم پابرجا مانده است. امروزه حفظ این ارزش‌ها و نوسازی این اماکن جزو برنامه‌های اصلی و جاری حکومت‌های تازه استقلال یافته به شمار می‌رود.

برجایی و استواری این فرهنگ دیرپا با وجود ناملايمات و دین‌ستیزی‌ها در گذر زمان، حکایت از عمق و پویایی تفکر و باورهای دارد که تمدن و هنری زنده و جاویدان را جلوه‌گر ساخته است. آنچه در زندگی کنونی مردم آسیای میانه با توجه به عقاید کهن و تداوم آن تا امروز جاریست، شکل بکر و ساده‌ای از حیات آیینی بوده که یادآور حال و هوای گذشته‌های ایران است.

هنر در آسیای میانه

در قرون چهارم تا ششم هجری که با تغییرات بنیادی در هنر مشخص شده، سنن باستانی همراه با رشد نقاشی و ساختن مجسمه‌های یادبود کنار نهاده شدند. همزمان با

این منطقه حاکم بود اکثر مردم و به خصوص میانسالان باورها و آیین‌های خویش را حفظ کرده و پس از استقلال و رهایی از چنگ رژیم کمونیستی - فاشیستی در جهت احیای میراث فرهنگی و هنری خویش گام‌های شایسته‌ای برداشته‌اند.

ادیان در آسیای میانه

منابع تاریخی، شواهد باقی‌مانده در میراث فرهنگی ملموس و غیرملموس آسیای میانه نشان می‌دهد که پیش از ورود اسلام نیایش مهر و ناهیتا و آیین زرتشت در منطقه وجود داشته است. هم‌زمان با این باورها، آیین بودا نیز حضوری قوی داشته که برخی معابد آن برجاست و آثار فراوانی از تندیس و نقش‌برجسته‌های بودایی در موزه‌های ملی این منطقه نگهداری می‌شود.

آسیای مرکزی منطقه‌ای به عنوان پناهگاه برای پیروان آیین‌های متعدد بوده و از اینجا بود که به طور طبیعی طرح ایجاد یک آیین مشترک از تمامی آیین‌های موجود مطرح شد. چنین گرایشی در بناهای مذهبی و هنر پنجگنت بیان شده است؛ از جمله دو معبد که نقشه غیر معمول آنها نه به آتشکده می‌ماند و نه معبد بودایی (رایس، ۱۳۷۲: ۲۵۷-۲۵۵). از این رو احتمالاً معابد مربوط به نیایش مهر و ناهیتا باشند که پیش از زرتشت در منطقه رایج بوده است. همچنین اشیاء به دست آمده در این منطقه خواه از معبد و خواه از خانه‌های خصوصی، هر دو وجود تنوع فراوان را در زمینه باورهای مذهبی تأیید می‌کند (همان).

مجسمه‌های کوچک زن و آداب و رسوم که تاکنون در میان مردم این منطقه وجود دارد نشانگر آیین پرستش ناهیتا الهه باروری، آب و گیاه است. معماری آیینی مربوط به نیایشگاه‌ها به تدریج و مطابق با دین جدید تغییر و تحول یافته، ولی آداب و رسوم موجود که تاکنون شاهد آن هستیم به ریشه‌های اصیل و قدیمی اشاره دارند که به استناد آن می‌توان به باورها و رسوم گذشتگان پی برد و تداوم آن را مشاهده نمود.

اقوام ایرانی و ترک، اگرچه از قرن چهارم هجری در خراسان و ماوراءالنهر حضوری قوی داشتند و با وجود آداب و باورهای طبیعت‌گرا، بودایی و گاه مسیحی، فرهنگ و هنری ترکیبی داشتند اما با ورود اسلام به تدریج رنگ باختند؛ تقدیس عناصر طبیعت و به خصوص آب و گیاه که برای ایرانیان مهم بوده و جنبه حیاتی داشت، در دوران اسلامی نیز طبق دین



تصویر ۱. درخت مقدس زیارتگاه نقشبند، بخارا، ازبکستان، عکس: شهره جوادی، سفر اکتشافی آسیای میانه، تابستان ۱۳۸۹.

تصویر ۲. مدرسه چهار منار، بخارا، ازبکستان، عکس: محمد عسکرزاده، سفر اکتشافی آسیای میانه، تابستان ۱۳۸۹.



این تغییرات، سبک تزئینی پاگرفته، و در قرن پنجم رفته رفته هنر و فرهنگ در آسیای مرکزی با توجه به وجود اقوام مختلف ساکن منطقه و تأثیرپذیری آنان از کشورهای همسایه، ویژگی‌های خاصی پیدا می‌کند. همجواری بناهای مذهبی مانند مسجد، مدرسه، خانقاه، صومعه یا استراحتگاه درویش و مسافران، بناهای غیرمذهبی همچون منازل مسکونی، کاخ، کاروانسرا، بازار و بناهایی با کاربرد بینابین مجموعه‌های مذهبی و غیرمذهبی مانند آرامگاه، منظر بی‌همتا به شهرهای قرون میانه در آسیای مرکزی بخشیده است. چشمگیرترین این مجتمع‌ها در خیوه و بخارا واقع شده‌اند (پوگاخپکو و خاکیموف، ۱۳۷۲: ۳). شهر باستانی خیوه با بناهای خشتی و آجری و تزئینات کاشی، محصور در قلعه باستانی، شکوه گذشته را حفظ کرده و نشان‌دهنده سنت و شهر درونگرایی کهن ایرانی - اسلامی است (تصویر ۳).

در بناهای قدیم؛ کاخ، معبد و خانه‌ها رسم بر این بوده که با نقش و نگارهای رنگین تزئین می‌شده‌اند. موضوع این نقاشی‌های دیواری براساس مکان و عملکرد و همچنین باورها و عقاید متفاوت بوده است. آثار هنری برجای مانده در غارمعبدهای بودایی و کاخ‌ها شامل دیوارنگاری، نقش‌برجسته و مجسمه، ظروف و اشیای آیینی، ابزار جنگی و تندیس‌های کوچک که از مقابر بدست آمده است، بیانگر فرهنگ و تمدنی شگرف در بخش مهمی از شرق باستان است که امروز با عنوان «آسیای میانه» یا «آسیای مرکزی» خوانده می‌شود. در روزگاران پیشین این مناطق «خراسان بزرگ» و «میان‌رودان» نام داشت.

سمرقند چند نقاشی دیواری مربوط به قرن هفتم میلادی به دست آمده که نمایی از آن‌ها خانه‌ای مسکونی و صحنه‌ای از مراسم عروسی را نشان می‌دهد. موضوع نقاشی‌های افراسیاب مانند کاخ‌های «ورخشا»، بالالیک تپه و پنجکنت و سایر نقاط، غیر مذهبی است (گرگوار، ۱۳۷۲: ۱۹۹)؛ (تصویر ۴). دیوارنگاری‌ها برای تزئین سطوح معماری بود که کاربرد رنگ‌های بومی و طبیعی و حضور شاخص رنگ‌های سیاه و سرخ آشکار است. موضوعات این دیوارنگاره بسیار متنوع است. سنت نقاشی ساسانی روزگاری دراز در داخل و ممالک دیگر همچنان پایدار ماند و در بسیاری موارد الهام‌بخش نسل‌های بعد به شمار رفت. تأثیر این هنر پس از گذشت هزار سال در نقاشی‌های دیواری کاخ‌های صفوی در قزوین و اصفهان مشهود است.

دیوارنگاره‌های «پنجکنت» در کاخ‌ها، معابد و خانه‌های اشرافی از آثار ارزشمند هنر آسیای میانه به شمار می‌رود. زبان تصویری این دیوارنگاره‌ها غنی و متنوع است که در بین آنها صحنه‌های درباری - اساطیری به چشم می‌خورد. اشیای هنری به دست آمده در پنجکنت چه آن‌ها که در معبد‌ها به دست آمده و چه آن‌ها که در خانه‌های خصوصی یافت شده است، هر دو تنوع فراوان را در زمینه اعتقادات مذهبی بیان می‌کند. بعضی از نقاشی‌های به دست آمده در معبد‌ها وابستگی شدید به آیین بزرگداشت اجداد و مراسم وابسته به آن را تأیید می‌کند. صحنه‌های سوگواری برای مردگان، پذیرایی خاص مردگان و رقص‌های آیینی،

پیشینه نقاشی و دیوارنگاری در منطقه آسیای مرکزی به کهن‌ترین دوران و تا عصر پارینه‌سنگی می‌رسد؛ مانند صخره‌نگاری‌های «زاروتسای» (جنوب ازبکستان)، دیوارنگاری‌های «پسجیک تپه» (جنوب ترکمنستان) که به عصر نئولتیک برمی‌گردد، و تصاویر بودایی که در نقاشی‌های آسیای میانه بسیار دیده می‌شوند.

در عصر هخامنشی در کنار هنر درباری که تحت نفوذ کامل خارجی بود و بیگانه با مردم، نوعی هنر مردمی وجود داشته که تا مدت‌ها با قدرت در برابر نفوذ یونان مقاومت کرده است. نقاشی‌های دوران هخامنشی و ساسانی با موضوعات اشرافی - درباری، گاه مذهبی که با عناصری از طبیعت نیز آمیخته هستند به شکل تزئینی دیوارها و سقف بناها را پوشش می‌دادند. از آنجا که بسیاری از این بناها از بین رفته قطعات نقاشی‌ها در موزه‌ها نگهداری می‌شوند و برخی از این آثار فقط در گزارش‌های تاریخی و باستان‌شناسی شناسایی شده است.

در موزه سمرقند و موزه ملی شهر دوشنبه برخی از این دیوارنگاره‌ها حفظ شده است. دوران کوشانیان اهمیت خاصی در تاریخ هنر آسیای میانه دارد. جایگاه‌های اساسی و کلیدی این هنر در سرخ کتل - بلخ جنوبی - شمال افغانستان و خالچیان - بلخ شمالی (ازبکستان جنوبی) است. هنر کوشانی با آثار بودایی «اک‌بشیم» و «اجنه تپه»، هنر شکوفای «بالالیک تپه»، ورخشا و به خصوص پنجکنت آشکار است (بلیتسکی، ۱۳۶۴: ۲۵۴ - ۲۵۰). در منطقه افراسیاب





و شاهنامه فردوسی می‌توان اشاره کرد (رایس، ۱۳۷۲ : ۹۹ - ۹۸). همچنین صحنه‌هایی از بازی تخته نرد (تصویر ۵)، نبرد رستم با دیو (تصویر ۶) و جشن بهار (تصویر ۷)، بر دیوارنگاره‌های پنجکنت وجود داشته که امروز در موزه‌ها نگهداری می‌شود. تندیس‌گری انتزاعی در کاخ فرمانروایان خوارزم مانند الهه‌ای سوار بر شیر و تزئین استودان‌ها از مهم‌ترین نقاشی‌های سغدی است که سالم‌تر مانده و از پنجکنت به دست آمده است (تصویر ۸).

چند قطعه از این دیوارنگاری‌ها در موزه ملی دوشنبه موجود است که شباهت بسیار به نقاشی‌های کوه خواجه سیستان و دیوارنگاری‌های بودایی در غارمعددهای آجانتا در هند دارد. رنگ‌های بکار رفته در تمامی آثار مذکور شامل طلایی، آبی لاجوردی، قرمز، سفید، سیاه و بعضاً سبز است که از مواد معدنی و گیاهی تهیه می‌شدند.



تصویر ۵. بخشی از نقاشی دیواری افرادی در حال بازی تخته نرد، پنجکنت، تاجیکستان.

مأخذ : Bussagli, 1978: 44

به احتمال زیاد در معابدی که وقف همین آیین بوده به دست آمده‌اند. از موضوعات دیوارنگاری به سوگ سیاوش و تولد او در بهار، نوروز نمادین، رستم و اژدها، بازی شطرنج



تصویر ۷. بخشی از نقاشی دیواری، جشن بهار یا نوروز، پنجکنت، تاجیکستان. مأخذ : بلنیتسکی، ۱۳۹۰.



تصویر ۶. رستم به جنگ دیو می‌رود، بخشی از نقاشی دیواری پنجکنت، قرن هفتم میلادی، موزه ارمنیتاز، لنینگراد. مأخذ : Bussagli, 1978: 44



تصویر ۸. بخشی از استودان از گلرس و نقش بازسازی شده آن، از ناحیه بیانی‌مان (Bia Naiman). چهار نقش، که احتمالاً متعلق به شخصیت‌های مذهبی بوده، کاملاً از سبک غربی الهام گرفته است. یکی از آن‌ها ظرفی برای قربانی در دست دارد. همسایه تاجدار او ممکن است یک موبد زرتشتی یا یک پادشاه باشد. این چهار نفر زیر تاق‌های کوچک ستون‌دار مشاهده می‌شوند؛ به نظر نگارنده دو نفر وسط مرد هستند که در طرفین آنها دو زن (احتمالاً ایزدبانوان) با دامن بلند و تاج قرار دارند. سده پنجم، ششم یا حتی هفتم میلادی. مأخذ: رایس، ۱۳۷۲: ۸۹.

جمع بندی

دین جدید موجب شکل‌گیری و آفرینش گونه‌هایی نو از معماری براساس عملکرد دین و تفکر جدید شد و تغییر و تحولاتی به ویژه در تزئینات معماری، نقاشی و سایر هنرها به وجود آورد.

تداوم و دگرگونی هنر و تمدن ایرانی در دوران اسلامی از ویژگی‌های مهم و قابل توجه هنر و فرهنگ ایرانی اسلامی بوده که در این بخش مهم از شرق باستان جلوه‌گر شده است. چنانکه در انواع مراسم آیینی مانند ازدواج، تولد فرزند، اعیاد ملی و مذهبی، نذر و قربانی و عزاداری نشانه‌هایی از باورها و رسوم کهن دیده می‌شود.

آثار برجای مانده از معماری و هنرهای تزئینی وابسته به آن، شهرسازی، نقاشی، مینیاتورسازی، کتابت و صنایع دستی نیز در دوران اسلامی و به خصوص از قرن ۸ تا ۱۲ هجری بیانگر دورانی باشکوه در ایران بزرگ بوده است که حتی سلطه طولانی کمونیسم نتوانست به کلی آن را از بین ببرد؛ چنانکه امروز مردم و حکومت‌های منطقه به احیای فرهنگ و هنر غنی و باشکوه گذشته همت گماشته‌اند.

منطقه‌ای که امروز با عنوان آسیای میانه خوانده می‌شود در گذشته محدوده وسیع ایران بزرگ شامل خراسان و ماوراءالنهر بوده است. اقوام مختلف، با نژادها و مذاهب گوناگون در این سرزمین پهناور قرن‌ها زیسته و تمدن و هنری عظیم را آفریده‌اند. امروز نیز آثار هنر و فرهنگ بودایی، زرتشتی، مسیحی و اسلامی در این سرزمین وجود دارد که شامل معماری معابد، کاخ‌ها، خانه‌های اشرافی و قلعه‌هاست. همچنین سایر هنرها مانند نقاشی دیواری، نقش برجسته، مجسمه‌های عظیم در معابد، هنرهای کاربردی و تزئینی مانند ظروف و اشیاء و ابزارآلات ویژگی‌های مهمی از این تمدن عظیم را نشان می‌دهند.

این آثار بیان و جلوه تمدن و هنری عظیم بوده که قرن‌ها پیش از اسلام در بخش مهم و قابل توجهی از شرق باستان شکل گرفته و در دوران اسلامی نیز از عظمت و شکوه ویژه‌ای برخوردار بوده است.

زمینه‌های غنی فرهنگی و هنری در منطقه پهناور خراسان و ماوراءالنهر پس از ورود اسلام و پذیرش ضوابط و معیارهای

۱. J. Marquart

۲. V. V. Bartold

۳. این پژوهش، بازخوانی بهترین آثار موجود در قسمتی از سرزمین باستانی خراسان است که سیمای جدید و روشن‌تری از تمدن و هنر آن را عرضه می‌کند.
۴. آیین و رسم قربانی خروس که در کنار چاه مقدس واقع در بام مسجد انجام و خون قربانی در آب چاه جاری شد. (مسجد حضرت خضر (ع) - سمرقند، سفر اکتشافی آسیای میانه ۱۳۸۹).

فهرست منابع

- آوزرمانی، فریدون. (۱۳۹۳). *جغرافیای تاریخی ایران زمین*، تهران: پازینه.
- آوزرمانی، فریدون. (۱۳۹۳). *هنر ساسانی*، تهران: پازینه.
- بارتولد، ولادیمیر. (۱۳۷۲). *تذکره جغرافیای تاریخی ایران*، ترجمه: حمزه سردادور، تهران: توس.
- بلانت، ویلفرید. (۱۳۶۳). *جاده زرین سمرقند*، ترجمه: رضا رضایی، تهران: جان زاده.
- بلنیتسکی، الکساندر. (۱۳۶۴). *خراسان و ماوراءالنهر (آسیای میانه)*، ترجمه: پرویز ورجاوند، تهران: گفتار.
- بی‌نا. (۱۳۷۲). *حدود العالم من المشرق الی المغرب*، ترجمه: میرحسین شاه، مقدمه بارتولد، حواشی و تعلیقات مینورسکی، تهران: انتشارات معاونت پژوهشی دانشگاه الزهراء (س).
- پوگاچیکو، گالینا و خاکیموف، اکبر. (۱۳۷۲). *هنر در آسیای میانه*، ترجمه: ناهید کریم زندی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- تقوی، اکبر. (۱۳۷۳). *جمهوری‌های آسیای میانه*، تهران: نشر سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی.
- حوقل، محمدبن علی بن. (۱۳۶۶). *صورت الارض*، ترجمه: جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.
- حیدرنتاج، وحید. (۱۳۸۸). *باغ‌های سمرقند*، مجله منظر، (۱): ۱۳ - ۱۰.
- دریایی، تورج. (۱۳۸۸). *شهرستان‌های ایرانشهر: نوشته‌ای به زبان فارسی میانه درباره‌ی تاریخ، حماسه و جغرافیای باستانی ایران*، ترجمه: شهرام جلیلیان، تهران: توس.
- رایس، تالبوت. (۱۳۷۲). *هنرهای باستانی آسیای مرکزی تا دوره اسلامی*، ترجمه: رقیه بهزادی، تهران: تهران.
- روسانی، شاپور. (۱۳۸۶). *اتحادیه مردم شرق*، تهران: امیرکبیر.
- زمانی‌محبوب، حبیب و صالحی، کوروش. (۱۳۹۰). *جغرافیای تاریخی سغد در دوره اسلامی*، *پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی*، ۴۴ (۲): ۷۷-۵۳.
- سمرقندی، محمدبن عبدالجلیل. (۱۳۶۷). *قندیه و سمیری: دو رساله در تاریخ مزارات و جغرافیای سمرقند*، تهران: موسسه فرهنگی جهانگیری.
- افشار، ایرج. (۱۳۸۹). *بررسی جغرافیای تاریخی راه ابریشم و نقش برجسته ایران در شکل‌گیری آن*، مجله مهر و ناهید، ۷ (۱۱): ۱۴۷.
- شهیدی، حسن. (۱۳۶۵). *چهارسو و نگرشی کوتاه بر تاریخ و جغرافیای تاریخی*، تهران: امیرکبیر.
- فرامکین، گرگوار. (۱۳۷۲). *باستان‌شناسی در آسیای مرکزی*، ترجمه: ملک شه‌میرزادی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- کریمیان سردشتی، نادر. (۱۳۸۱). *اسروشنه: تاریخ و جغرافیای تاریخ و کرونولوژی*، تهران: معاونت پژوهشی - پژوهشکده مردم‌شناسی.
- گروسه، رنه. (۱۳۴۶). *ایران خارجی*، مجموعه ایران‌شناسی ۱۴، ترجمه: عیسی بهنام، چاپ چهارم، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.
- لسترینج، گای. (۱۳۸۶). *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه: محمود عرفان، تهران: نشر علمی فرهنگی.
- اصطخری، ابراهیم‌بن محمد. (۱۳۷۳). *ممالک و مسالک*، ترجمه: محمدبن اسعدبن عبدالله تسترینی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار.
- ماسه، هانری و گروسه، رنه. (۱۳۸۱). *تاریخ تمدن ایران*، ترجمه: جواد محیی، تهران: گوتنبرگ.
- مصاحب، غلامحسین و دیگران. (۱۳۸۱). *دایره‌المعارف فارسی*، تهران: امیرکبیر.
- نجفی بزرگر، کریم. (۱۳۸۸). *تذکره زعفران‌زار کشمیر*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- نفیسی، سعید. (۱۳۸۴). *تاریخ اجتماعی ایران در دوران پیش از تاریخ و آغاز تاریخ*، تهران: اساطیر.
- ولایتی، رحیم. (۱۳۹۰). *مطالعه پیشینه باستان‌شناسی کشورهای آسیای میانه*، تهران: پازینه.
- ویستهووفر، ژوزف. (۱۳۸۹). *ایرانیان، رومیان و یونانیان*، ترجمه: جمشید ارجمند، نشر و پژوهش فرزادروز.

• Bussagli, M. (1978). *La Peinture De L'asie Centrale*, Swiss: Skira.